

مقایسه اختلالات شخصیت و منزلت‌های هویت من در مجرمین زن زندانی در زندان عادل‌آباد شیراز و افراد بهنجار

مهدی بهبودیان¹
دکتر امین‌الله فاضل²
دکتر محبوبه چین‌آوه³

چکیده

هدف این مطالعه مقایسه‌ی اختلالات شخصیت و سبک‌های هویتی در مجرمین زن زندانی در زندان عادل‌آباد شیراز و افراد بهنجار بود. بدین منظور از بین زندانیان محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز، تعداد 100 نفر از زن به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به عنوان گروه مورد مطالعه انتخاب شد و جهت مقایسه از بین زنان حاضر در پارک‌های خلدبرین و آزادی شیراز، تعداد 100 نفر زنان بهنجار بدون سابقه کیفری و بیماری روانی که با توجه به ویژگی‌های سن و میزان تحصیلات با گروه مورد مطالعه مطابقت داشتند، به عنوان گروه مقایسه انتخاب شد. نمونه‌ها با استفاده از پرسشنامه بالینی چندمحوری میلون-3 (1994) و سنجش عینی هویت من آدامز (1979)، مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون‌های مجذور χ^2 ، مستقل و تحلیل رگرسیون خطی، مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد؛ بین منزلت‌های هویت من و میزان اختلالات شخصیتی در مجرمین زن زندانی و زنان بهنجار تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/0005$) و زنان مجرم زندانی اختلالات شخصیتی بیشتری دارند. همچنین بین میزان اختلالات شخصیتی افراد با منزلت‌های هویتی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$). بر طبق یافته‌های دیگر پژوهش منزلت‌های هویت (من) قادر به پیش‌بینی تغییرات مربوط به اختلالات شخصیتی آزمودنی‌های مجرم زندانی است ($P \leq 0/01$).

واژه‌های کلیدی: اختلال شخصیت، منزلت‌های هویت من، مجرم زندانی

¹ - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روانشناسی، واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران

² - عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روانشناسی، واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران

³ - عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روانشناسی، واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران

مقدمه

جرم‌ها و انحراف از هنجارهای رسمی، تاریخچه‌ای به قدمت زندگی انسان دارد و از زمان‌های بسیار قبل، یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان اجتماعی بوده است (شریفیان، وطنی و گزمه، 1388). تردیدی نیست که جرم یک پدیده‌ی چندعاملی است که نادیده گرفتن هر یک از عوامل آن، مبارزه با آن را مشکل یا ناممکن می‌کند. در حال حاضر اغلب جرم‌شناسان، روان‌پزشکان و روان‌شناسان، جرم را از چهار منظر زیست-شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی قابل بررسی می‌دانند (ولاد عبدالهادی، فروغان، دادخواه و دلاور، 1383). شخصیت، عاملی تأثیرگذار در سازگاری و سلامت عمومی، و مجموعه‌ای سازمان یافته، واحد و متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایداری است که بر روی هم یک شخص را از شخص یا اشخاص دیگر متمایز می‌کند (محمودعلیلو، اسمعیلی، واحدی و رضایی، 1388). شخصیت از ترکیب خصوصیات و ویژگی‌های متمایز به نام صفات¹ تشکیل شده است. صفات اشاره به یک مجموعه مشخص از ویژگی‌هایی از قبیل تفکر، احساس، نگرش و رفتار دارد (مٹ، مورثی، پارتاسارتی، کومار و مدھوسودھان²، 2011).

اگر صفات شخصیتی، غیرقابل انعطاف باشد و به اختلال ذهنی یا اختلال در عملکرد فرد منجر شود، تشخیص اختلال شخصیت مطرح می‌شود. در گروه اول، اختلالات شخصیتی اسکیزوئید³، پارانویایی⁴ و اسکیزوفرنی‌گونه⁵، افراد مبتلا اغلب غیرعادی به نظر می‌رسند. در گروه دوم، اختلالات شخصیت نمایشی⁶، خودشیفته⁷، جامعه‌ستیز⁸ و مرزی⁹، افراد مبتلا غالباً هیجانی، بازیگر و بی ثبات به نظر می‌رسند. در گروه سوم، اختلالات شخصیت انواع اجتنابی¹⁰، وابسته¹¹، وسواس فکری- عملی¹² و

¹ - traits

² - Math, Murthy, Parthasarthy, Kumar & Madhusudhan

³ - schizoid

⁴ - paranoid

⁵ - schizotypal

⁶ - histrionic

⁷ - narcissistic

⁸ - antisocial

⁹ - borderline

¹⁰ - avoidant

¹¹ - dependent

¹² - obsessive-compulsive

منفعل - پرخاشگر¹، افراد مبتلا اغلب مضطرب و بیمناک به نظر می‌رسند (بهان و اسپور²، اسپور²، 2011).

مؤلفان مختلف در بررسی علل شکل‌گیری اختلال‌های شخصیت، به عوامل متفاوتی استناد کرده‌اند: هوجینز³ (2001) به عوامل موروثی در پیدایش پرخاشگری و رفتار جامعه‌ستیز اشاره کرده است؛ این عوامل موروثی به حساسیت پذیری بالا نسبت به اهانت‌ها اشاره دارند و ظرفیت‌های محیطی را محدود می‌کنند. برای مثال مهارت‌های مقابله با تنیدگی یا هوش کلامی، هم با پرخاشگری و هم با رفتار جامعه‌ستیز در رابطه است. پژوهش‌های متعددی به بررسی ارتباط اختلالات شخصیتی با ارتکاب جرم، پرداخته‌اند که به تعدادی از این پژوهش‌ها در زیر پرداخته شده است:

ارونن، هاگولا و تیهانن⁴ (2000)، نشان دادند که اختلال شخصیت جامعه‌ستیز احتمال ارتکاب قتل را در مردان 15 برابر و در زنان 25 برابر افزایش می‌دهد. مطالعات انجام شده (هوجینز، 2001؛ فازل و دانش⁵، 2002؛ نی و فارمن⁶، 2005؛ تیمرمن و املکامپ⁷، 2006) نشان می‌دهند که افراد دارای اختلال‌های شخصیت جامعه‌ستیز و مرزی بیش از چه در معرض ارتکاب جرم هستند و برخی از ناتوانی‌ها در آن‌ها دیده می‌شود (نی و فارمن، 2005). فازل و دانش (2002) نیز با تحلیل 62 مطالعه زمینه‌یابی از زندان‌های 12 کشور جهان بدین نتیجه رسیدند که 47% از زندانیان، دارای اختلال شخصیت جامعه‌ستیز و 25% آنان دارای اختلال شخصیت مرزی هستند. پژوهش‌های متعددی در ایران حاکی از وجود اختلالات روانی و شخصیتی در مجرمان می‌باشد به طوری که وجود این نوع اختلالات نسبت به افراد عادی جامعه شیوع بسیار بالاتری دارد (بحرینیان، مقصودلو و قدوسی، 1381؛ پالاهنگ، وکیل‌زاده و دریس، 1381؛ اشکانی، ده‌بزرگی و شجاع، 1381؛ شریعت، اسعدی، نوروزیان، پاکروان‌نژاد، یحیی‌زاده و همکاران، 1385). گاتفردسون⁸ (2001) یک بررسی از همبسته‌های رفتار مجرمانه نشان داد که تکانشی بودن و سطوح پایین خودکنترلی با مشکلات و اختلالات سازگاری رابطه دارد و

¹ - passive - aggressive

² - Behan & Spurr

³ - Hodgins

⁴ - Eronen, Hakola & Tiihonen

⁵ - Fazl & Danesh

⁶ - Nee & Farman

⁷ - Timmerman & Emmelkamp

⁸ - Gattfredson

همچنین اختلالات شخصیتی در افراد مجرم بیشتر از افراد بهنجار است. بلک¹ و همکاران (2007)، در پژوهشی به مطالعه‌ی اختلال شخصیت مرزی در مجرمان مرد و زن تازه به زندان افتاده، به این نتایج رسیدند که: اختلال شخصیت مرزی در 29/5% از افراد زندانی وجود داشت، اگرچه 93/2% حداقل یکی از صفات اختلال شخصیت مرزی DSM-IV را داشتند. مجرمین با اختلال شخصیت مرزی، بیشتر از دیگران گزارش درمان بهداشت روان داشته‌اند و سطوح بالایی از تداخل اختلال روانی نشان داده‌اند. همچنین مجرمین با اختلال شخصیت مرزی، کیفیت زندگی بدتری نسبت به مجرمین بدون اختلال شخصیت مرزی داشتند، به طوری که میزان اضطراب، اختلالات خوردن، اختلال شخصیت جامعه‌ستیز و اختلال بیش‌فعالی با کمبود توجه بالاتری را نشان دادند. این تحقیق نشان داد که مجرمین زندانی میزان اختلالات شخصیت بالاتری نسبت به افراد بهنجار دارند. بلک و همکاران (2010)، در پژوهش دیگری نتایجی مشابه با تحقیق مذکور، به دست آوردند، و علاوه بر آن نشان دادند که مجرمین کسانی هستند که دارای اختلال شخصیت جامعه‌ستیز بوده، اغلب بیش‌فعال همراه با نقص توجه و دارای خطر خودکشی بالا و عملکرد بهداشت روانی ضعیفی هستند. تحقیقات متعدد در ایران نشان داده است که نمره کل نرم نشانه‌های عصبی در گروه زندانی بیشتر از گروه غیرزندانی است (نوروزیان، شریعت، اسعدی، یحیی‌زاده، پاکروان‌نژاد و آقایان، 1384) و گروه زندانی در تمام مقیاس‌های اختلال‌های شخصیت به جز مقیاس شخصیت وسواس فکری- عملی با گروه غیرزندانی تفاوت معنادار دارند (هادی‌نژاد، 1386). همچنین در تحقیق گروسی فرشی، محمودعلیلو و اسمعیلی کورانه (1386)، بین گروه مجرمین زندانی با افراد بهنجار، در مقیاس‌های اختلال شخصیت جامعه‌ستیز، مرزی، وابستگی دارویی و الکلی، تفاوت معناداری مشاهده شد. آشوری (1389) نیز نشان داد که مجرمین بیشتر از افراد بهنجار مبتلا به اختلالات شخصیت می‌باشند.

از سوی دیگر، مطالعات انجام شده در ابعاد هویتی نشان داده که سازمان‌دهی قوی ابعاد اجتماعی هویتی، موجب کاهش رفتار بزهکارانه و جامعه‌ستیز می‌شود و ثبات شغلی و دلبستگی عاطفی قوی در مردان به طور معنی‌دار فعالیت بزهکارانه و مجرمانه را کاهش می‌دهد. در حالی که افراد سردرگم، برای سوء مصرف مواد مخدر و داروها، رفتار خرساز جنسی، فرار از مدرسه و شکست تحصیلی، بزهکاری و اعمال جنایی مستعد

¹ - Black

روایت¹ 2000؛ کات و اسوارتز²، 2002). نظریه‌های میان رشته‌ای در رابطه با جرم نشان می‌دهند که رفتار مجرمانه و جامعه‌ستیز با اعمال اجتماعی شدن و ایجاد ((هویت من)) رابطه دارد. این دیدگاه‌ها یکی از علل رفتار مجرمانه را در میزان هویت یافتگی من می‌دانند. مطالعات انجام شده در چارچوب این نظریه‌ها نشان می‌دهد که مشکلات هویت یافتگی در مجرمان بیش از غیرمجرمان است (لینگتن³، 1997، به نقل از صفدری شاهرودی، 1385). مارسیا⁴ (1993، به نقل از کات و اسوارتز، 2002)، بر اساس نظریه‌ی اریکسون و با توجه به دو جنبه‌ی اکتشاف و تعهد، افراد را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود: سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت یافته که سطح تحول من را از ضعیف به قوی نشان می‌دهد. هویت یافتگی نشان دهنده‌ی برخورداری از شخصیت سالم است؛ خودمختاری و تلاش، حس کارآمدی و کنترل شخصی و استقلال از والدین از ویژگی‌های این هویت است. بحران‌زدگی نسبت به هویت یافتگی در درجه‌ی بعدی رشد یافتگی قرار دارد. فرد بحران زده ظاهراً گام‌های فعالانه خودمختاری و تلاش به سوی هویت یافتگی از خود نشان می‌دهد، عزت نفس پایین و اضطراب بالا از خصوصیات این گروه است. دنباله‌روی با ویژگی‌های خودمختاری اندک، موافقت با والدین، عدم تحمل تضاد و عزت نفس پایین مشخص می‌شود. در پایین‌ترین درجه‌ی رشد یافتگی سردرگمی قرار می‌گیرد که فقدان یکپارچگی، زندگی در لحظه، رشد من اندک، آسیب‌شناختی روانی بیشتر و زیاده‌روی در تجربیات تباه‌کننده‌ی من (بزهکاری، جنایی، جنسی) از خصوصیات این هویت است (کات و اسوارتز، 2002). لیبر و فارینگتون⁵ (2000) در پژوهش‌های خود به دو الگوی رفتار مجرمانه دست یافته‌اند: نخست رفتار جامعه‌ستیز که در نوجوانی با یک آسیب در رشد اجتماعی آغاز شده است. بیش از سه چهارم این گروه در بزرگسالی اشکال مختلف رفتار مجرمانه را ادامه می‌دهند. دوم رفتارهای جامعه‌ستیز با ثبات در گستره‌ی زندگی که بازتاب یک ساختار شخصیت جامعه‌ستیز است و اساس آن آسیب‌پذیری عصب روان‌شناختی در محیط زندگی با تداوم کارهای مجرمانه است. در این الگو رفتار مجرمانه پیشرفت مداومی از اول کودکی تا بزرگسالی نشان می‌دهد. هر چند

¹ - White

² - Cote & Schwartz

³ - Leighton

⁴ - Marcia

⁵ - Loeber & Farrington

کیفیت نوع دوم با توجه به دیدگاه‌های تحولی با تغییر شکل فرصت‌های اجتماعی جدید در نقاط رشدی می‌تواند تغییر کند.

گاردنر¹ و همکاران (1994؛ به نقل از یودر²، 2000)، در تحقیقاتشان به این نتیجه دست یافتند که ضعف هویت من، باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان با مسائلی چون فرار و ترک مدرسه، خشونت، اعمال مجرمانه و جامعه‌ستیزی و سوءاستفاده از مواد و داروها در معرض خطر قرار گیرند. بدین ترتیب سردرگمی هویتی می‌تواند خود را به صورت اختلالات سازگاری، جرم و بزهکاری نشان دهد. جونز و هارتمن³ (1988) و جونز (1992) نشان دادند که جوانان سردرگم بیشتر احتمال دارد که استفاده‌کننده‌های مزمن داروها شوند. وایت و جونز (1996؛ به نقل از برزونسکی و آدامز⁴، 1999) با بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که مشکلات هویتی می‌تواند رفتار مجرمانه و مصرف الکل و مواد را پیش بینی کند. بی‌شپ⁵ و همکاران (1997؛ به نقل از آدامز، 1998) دریافتند افرادی که منزلت‌های هویتی کمتر رشد یافته دارند، سطوح بالای مصرف و تداوم مواد و داروها را نشان می‌دهند. پژوهش‌های دیگری نشان داده‌اند که افزایش دادن هویت یافتگی من، رفتارهای بزهکارانه‌ای چون سوءمصرف مواد و الکل را کاهش می‌دهد (بندا⁶، 2004). مطالعات اسوارتز و همکاران (2005) نشان داد که هویت من و مشکلات رفتاری با هم رابطه دارند و سردرگمی با مشکلات رفتاری بیشتر همراه است. آدامز، کانتول، کیتینگ؛ هورتون، منا و گولمت⁷ (2001)، آدامز، مونرو، مونرو، پوریر و ادیاردز⁸ (2005)، در پژوهش‌های خود نشان دادند که رشدیافتگی هویت من یا قدرت هویت من با رفتارهای آسیب‌شناختی و مجرمانه، سوءمصرف مواد کمتر همراه است.

با توجه به آن که مجرمان و زندانیان بخشی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و بازخورد افراد جامعه نسبت به آن‌ها حاکی از بدبینی، نفرت و ترس است، شناخت ساختارهای معیوب روان‌شناختی می‌تواند در پذیرش و بازپروری آن‌ها حائز اهمیت باشد. افزون بر این، در همه‌ی جوامع، مجرمان (چه آن‌هایی که زندانی‌اند و چه آن‌هایی که در

¹ - Gardner

² - Yoder

³ - Jones & Hartmann

⁴ - Bersonsky & Adams

⁵ - Bishop

⁶ - Benda

⁷ - Cantwell, Keating, Horton, Menna & Guilmette

⁸ - Munro, Munro, Poirer & Edeards

زندان نیستند) هزینه‌های سنگینی بر پیکره اجتماع وارد می‌سازند؛ هزینه‌هایی رفیع نابهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی به وجود آمده بوسیله مجرمان و هزینه‌های اقتصادی که جوامع برای نگهداری و بازپروری آنها متحمل می‌شوند. از منظر قضایی نیز احراز وجود نابهنجاری‌های روان‌شناختی در زندانیان و مجرمان می‌تواند در تخفیف مجازاتشان مورد نظر واقع شود. در نهایت، آمار فزاینده‌ی جرائم، هنجارشکنی‌ها و بزهکاری‌ها که نتیجه زندگی رقابتی در جامعه در حال گذار ماست، لزوم شناخت عوامل شکل‌دهنده‌ی آن‌ها و اهمیت اجرای چنین پژوهش‌هایی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، هر چند نمی‌توان جرم را فقط مربوط به عوامل فردی یا اجتماعی دانست و تداخل این عوامل است که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم است، اما شناخت علل رفتار مجرمانه و ویژگی‌های فرد مجرم به ما کمک می‌کند که علاوه بر افزودن بر دانش خویش درباره‌ی رفتار مجرمانه، اقدامات پیش‌گیرانه‌ای برای مصونیت جامعه پیدا کنیم در این حالت و با شناسایی ویژگی‌های انسان مجرم، هم راه‌های مناسب جهت بازگشت او به جامعه پیدا و هم با برنامه‌ریزی زیربنایی جهت کاهش رفتار مجرمانه می‌توان اقدام کرد. از طرفی، چندین دهه است که الگوی منزلت‌های هویتی در ادبیات پژوهشی وارد شده است و مطالعات مختلف، عناصر مثبت و منفی شخصیتی مرتبط با هویت‌های مختلف را نشان داده‌اند. یکی از مسائل مهم درباره‌ی رفتار مجرمانه، بزهکاری و رفتارهای جامعه‌ستیز است به طوری که در ایران پژوهش‌های کمی در این مورد انجام شده است لذا در این پژوهش به مقایسه‌ی اختلالات شخصیت و سبک‌های هویتی در مجرمین زن زندانی و افراد بهنجار پرداخته خواهد شد.

فرضیه‌های پژوهش

- 1- بین میزان اختلالات شخصیت مجرمین زندانی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
- 2- بین اختلالات شخصیتی افراد زندانی با منزلت‌های هویتی مختلف تفاوت وجود دارد.
- 3- منزلت‌های هویت من قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اختلالات شخصیت مجرمین زندانی را دارد.

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه غیرآزمایشی و از نوع مقایسه‌ای است که دو جمعیت را در بر می‌گیرد: گروه اول را تمامی زندانیان زن محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز در سال 1390 با در نظر گرفتن شرایط ورود به مطالعه، تشکیل می‌دهند. شرایط ورود به مطالعه، به این صورت بود که زندانی: غیرسیاسی باشد، به دلیل جرائم عمدی (قتل، آزار جسمی و روحی، سرقت، زورگیری، ضرب و جرح، تخریب و تجاوز، خرید و فروش مواد مخدر)، محبوس شده باشد، بیمار روانی نباشد، در گستره‌ی سنی 18 تا 40 سال قرار داشته باشد، دارای حداقل تحصیلات اول راهنمایی باشد (تا بتوانند درک بهتری از مفاهیم سوالات پرسشنامه‌ها داشته باشد)، مدت زندانی شدن آن‌ها بیشتر از 3 ماه نباشد. گروه دوم، شامل تمام زنان حاضر در پارک‌های خلدبرین و آزادی شیراز در زمان پژوهش، بودند.

نمونه‌ی پژوهش شامل 100 نفر از زنان زندانی می‌باشد که با توجه به مسائل امنیتی زندان و با در نظر گرفتن شرایط ورود به مطالعه به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند. همچنین از بین افراد حاضر در پارک‌های خلدبرین و آزادی شیراز، تعداد 100 نفر از زنان بهنجار بدون سابقه کیفری و بیماری روانی که با توجه به ویژگی‌های سن و میزان تحصیلات با گروه مورد مطالعه تاحد امکان مطابقت داشتند، به عنوان گروه مقایسه، انتخاب شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه‌های بالینی چندمحوری میلون-3 (MCMI-III):

این پرسشنامه توسط میلون (1994) و بر اساس نظریه زیستی- روانی- اجتماعی ساخته شده و دارای 175 گویه کوتاه خود-توصیفی با پاسخ‌های «بلی» و «خیر» است که برای اجرای فردی و گروهی مناسب است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای سنجش عینی نشانگان بالینی مطرح شده در محور یک و اختلالات شخصیت محور دو DSM-IV است. افراد دارای نمرات بیشتر از 85 به عنوان مبتلا به اختلال و کمتر از 85 به عنوان بدون اختلال در نظر گرفته می‌شوند (شریفی، مولوی و نامداری، 1386). این فهرست 22 مقیاس بالینی دارد که متشکل است از: الگوهای شخصیتی² (مقیاس‌های

¹ - Millon clinical multiaxial inventory-III (MCMI-III)

² - personality pattern

گسیخته مانند، اجتنابی، وابسته، نمایشی، خودشیفته، جامعه‌ستیز، پرخاشگر-آزارگر¹، وسواس فکری-عملی²، منفعل-پرخاشگر و آزارطلبانه³، الگوهای وخیم شخصیت⁴ (مقیاس‌های اسکیزوفرنی گونه، مرزی و پارانویایی) و نشانگان بالینی⁵ (مقیاس‌های اضطراب، جسمانی شکل⁶، شیدایی دوقطبی⁷، افسرده خویی⁸، وابستگی الکلی⁹، وابستگی وابستگی دارویی¹⁰، اختلال فکر¹¹، افسردگی عمده¹² و اختلال هذیانی¹³) (هادی‌نژاد، 1386).

جهت روایی تشخیصی این پرسشنامه، تحقیقی توسط شریفی و همکاران (1386)، بر روی نمونه‌ای شامل 283 بیمار روحی- روانی، انجام شد، نتایج نشان دهنده‌ی روایی تشخیصی بسیار خوب تمام مقیاس‌ها بود. توان پیش‌بینی مثبت مقیاس‌ها در دامنه 0/92 تا 0/98، توان پیش‌بینی منفی مقیاس‌ها از 0/93 تا 0/99 است، همچنین توان تشخیص کل تمام مقیاس‌ها در دامنه‌ی 0/58 تا 0/83 قرار دارد. بنابراین پرسشنامه، یک آزمون معتبر است و می‌توان از آن برای تشخیص اختلالات شخصیت و نشانگان بالینی استفاده کرد. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «دیگران به اندازه کافی قدر کارها و زحمات مرا نمی‌دانند»، «تازگی‌ها به طور جدی به این فکر افتاده‌ام که به زندگی‌ام خاتمه دهم». لازم به یاد آوری است که در پژوهش حاضر چون اختلالات شخصیت مدنظر است، لذا نشانگان بالینی مورد تحلیل قرار نگرفت.

پرسشنامه سنجش عینی هویت من¹⁴ (EOM-EIS2):

این پرسشنامه توسط آدامز و همکاران (1989)، برای سنجش 4 منزلت هویت سردرگم، دنباله رو، بحران زده و هویت یافته در سه حیطه شغل، سیاست و مذهب

¹ - aggressive -sadistic

² - obsessive-compulsive

³ - masochistic

⁴ - severe personality pattern

⁵ - clinical syndrome

⁶ - somatoform

⁷ - bipolar manic

⁸ - dysthymia

⁹ - alcohol dependence

¹⁰ - drug dependence

¹¹ - thought disorder

¹² - major depression

¹³ - delusional disorder

¹⁴ - extended objective major of ego identity statues (EOM-EIS2)

ساخته شده است که دارای 64 سوال می‌باشد. پاسخ‌ها بر روی یک پیوستار 6 گزینه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف قرار دارد که به ترتیب به آن‌ها نمره‌های 1 تا 6 تعلق می‌گیرد. نوع هویت هر فرد، پایگاهی است که فرد در آن بالاترین نمره را کسب می‌کند. آدامز و همکارانش (1989) در بررسی روایی همزمان این پرسشنامه، همبستگی آن را با سایر مقیاس‌های سنجش هویت، در سطح متوسط تا سطح بالا از جهت همخوانی، گزارش کردند. نتایج مربوط به ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه رحیمی‌نژاد (1379) در گروه ایرانی در مقیاس‌های عقیدتی از 0/51 تا 0/73 و در مقیاس‌های بین فردی از 0/60 تا 0/81 به دست آمده است. ضریب پایایی آزمون مجدد مربوط به دانشجویان ایرانی نیز در مطالعه مذکور از 0/54 تا 0/76 گزارش شده است. در پژوهش رحیمی‌نژاد (1379) همبستگی هر یک از منزلت‌های بخش عقیدتی و بخش بین‌فردی از 0/46 تا 0/64 گزارش شده که روایی همگرا را تأیید می‌کند. همچنین سردرگمی عقیدتی و بحران زدگی عقیدتی همبستگی 0/37 و سردرگمی بین فردی و بحران زدگی نیز همبستگی 0/22 را نشان داده‌اند که هماهنگ با سایر مطالعات انجام شده است. دو نمونه از سوالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «من در جستجوی دیدگاه قابل قبولی برای شیوه‌ی زندگی خود هستم، اما هنوز واقعاً آن را پیدا نکرده‌ام.»، «من با افراد زیادی دوست هستم اما با هیچ کدام از آن‌ها صمیمی نیستم، بنابراین هیچ دوست صمیمی ندارم.».

روش اجرا و تحلیل

این پژوهش بدین صورت اجرا گردید که با اداره زندان عادل آباد شیراز، هماهنگی‌های لازم جهت اجرای پژوهش، انجام شد. سپس در موعدهای مقرر، نمونه‌های حائز شرایط مطالعه، انتخاب و با توجه به شرایط خاص زندان، آزمودنی‌ها به صورت گروه‌های 4 نفری به پرسشنامه‌ها پاسخ گفتند. در مدت اجرای پژوهش، نگهبان زندان در محل اجرای پژوهش حضور داشت. پس از نمونه‌گیری و آزمون‌گیری از آزمودنی‌های زندانی با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی آنان، جهت نمونه‌گیری گروه مقایسه، از بین افراد حاضر در پارک‌های خلدبرین و آزادی شیراز، با در نظر گرفتن ویژگی‌های سن و میزان تحصیلات، آنانی که با گروه زندانی مطابقت داشتند و فاقد سابقه کیفری و اختلال روانی بودند، تعداد 100 نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، نمونه‌گیری و اجرای پرسشنامه‌ها به مدت 4 ماه به طول انجامید و به طور میانگین روزانه 3 ساعت و هفته‌ای

2 روز، پژوهشگر مشغول نمونه‌گیری بود. در پایان، پرسشنامه‌ها، نمره‌گذاری و توسط آزمون‌های مجذور خی، t مستقل و تحلیل رگرسیون خطی با نرم‌افزار SPSS-18 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته‌ها

بر طبق یافته‌های توصیفی پژوهش، نمرات اختلالات شخصیتی زنان مجرم زندانی بیشتر از افراد بهنجار است. شدیدترین اختلال مربوط به اختلال‌های خودشیفته و جامعه‌ستیز برای هر دو گروه زندانی و افراد بهنجار است. همچنین بر اساس یافته‌ها و نقطه برش آزمون میلون (85)، در گروه زندانی دارای اختلال شخصیت خودشیفته، جامعه‌ستیز، منفعل-پرخاشگر، پرخاشگر-آزارگر و مرزی می‌باشند و این در حالی است که افراد بهنجار دارای هیچ اختلالی نیستند. مقادیر t مشاهده شده در تمام اختلالات شخصیتی از لحاظ آماری معنادار است ($P \leq 0/0005$). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بین اختلالات شخصیتی در آزمودنی‌های مجرم زن زندانی و افراد بهنجار تفاوت معناداری وجود دارد و افراد مجرم زندانی به اختلالات شخصیتی بیشتری دچارند (جدول 1).

جدول 1: میانگین و انحراف استاندارد نمرات اختلالات شخصیتی در گروه زنان زندانی و بهنجار

مقدار P	t مشاهده شده	درجه آزادی	بهنجار		زندانی		خرده‌مقیاس
			انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/0005	7/56**	198	11/4	66/3	12/5	79/1	اسکیزوتیپ (1)
0/0005	7/94**	198	12/3	62/6	11/3	75/9	اجتنابی (2)
0/0005	8/17**	198	12/9	62/9	12/9	77/8	وابسته (3)
0/0005	11/33**	198	12/1	53/9	11/6	72/8	نمایشی (4)
0/0005	12/71**	198	13/6	67/7	14/8	93/2	خودشیفته (5)
0/0005	6/56**	198	25/7	69/2	25/7	93/0	جامعه‌ستیز (6a)
0/0005	14/81**	198	11/6	64/2	14/6	91/9	پرخاشگر - آزارگر (6b)
0/0005	4/14**	198	16/8	63/4	16/7	73/2	وسواس فکری - عملی (7)
0/0005	13/81**	198	14/1	63/6	15/4	92/5	منفعل - پرخاشگر (8a)
0/0005	8/86**	198	14/2	61/1	15/3	79/6	آزارطلبانه (8b)
0/0005	10/49**	198	14/1	60/0	14/8	81/5	اسکیزوفرنی گونه (S)
0/0005	14/09**	198	13/9	59/8	15/1	88/7	مرزی (C)
0/0005	7/87**	198	14/9	63/3	15/9	80/5	پارانویایی (P)

در جدول 2، میانگین و انحراف استاندارد نمرات منزلت‌های هویت من در گروه زندانی، بهنجار و کل نمونه آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد مجرم زندانی بیشتر دارای سبک هویت بحران زده هستند و این در حالی است که افراد بهنجار بیشتر دارای سبک هویت موفق هستند.

جدول 2: میانگین و انحراف استاندارد نمرات منزلت‌های هویت من در گروه زنان زندانی و بهنجار

خرده‌مقیاس	زندان		بهنجار	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
هویت سردرگم	46/9	12/6	36/7	10/8
هویت زودرس	39/9	13/4	38/0	12/3
هویت بحران زده	54/1	11/3	38/9	9/9
هویت موفق	36/2	12/2	48/4	13/5

بر طبق داده‌های جدول 3، ملاحظه می‌گردد که مجذور کای مشاهده شده 58/2 می‌باشد که از لحاظ آماری معنادار است، بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویت من در مجرمین زن زندانی و افراد بهنجار تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/0005$)، بنابراین نوع منزلت هویتی افراد به میزان مجرم بودن آنان وابسته است. همچنین، بر طبق داده‌های جدول 4، ملاحظه می‌گردد که انواع منزلت‌های هویت من قادر به پیش-بینی تغییرات مربوط به اختلالات شخصیتی آزمودنی‌های مجرم زندانی است ($P \leq 0/01$).

جدول 3: آزمون مجذور خی بین پاسخ‌های افراد زندانی و بهنجار در مورد انواع منزلت‌های هویت من

شاخص آماری متغیرها	زندان		بهنجار		درجه آزادی	خی دو معناداری	سطح معناداری
	فراوانی	درصد از کل	فراوانی	درصد از کل			
هویت سردرگم	20	10	19	9/5	3	58/2	0/0005
هویت زودرس	16	8	14	7			
هویت بحران زده	55	27/5	13	6/5			
هویت موفق	9	4/5	54	27			

جدول 4: پیش بینی اختلال شخصیتی براساس انواع منزلت‌های هویت آزمودنی‌های زندانی با روش هم‌زمان

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	R	R ² تنظیم شده	F	β	اندازه P
اسکیزوتیپ (1)	سردرگم	0/704	0/475	23/3**	-0/046	0/533
	زودرس				-0/187	0/02
	بحران زده				0/516	0/0005
	موفق				-0/256	0/001
اجتنابی (2)	سردرگم	0/720	0/497	25/5**	-0/048	0/504
	زودرس				-0/172	0/029
	بحران زده				0/498	0/0005
	موفق				-0/326	0/0005
وابسته (3)	سردرگم	0/687	0/450	21/3**	-0/045	0/547
	زودرس				-0/150	0/068
	بحران زده				0/475	0/0005
	موفق				-0/326	0/0005
نمایشی (4)	سردرگم	0/714	0/489	24/7**	-0/071	0/327
	زودرس				-0/105	0/181
	بحران زده				0/521	0/0005
	موفق				-0/339	0/0005
خودشیفته (5)	سردرگم	0/729	0/512	26/9**	-0/066	0/352
	زودرس				-0/213	0/006
	بحران زده				0/503	0/0005
	موفق				-0/288	0/0005
جامعه‌سنیز (6a)	سردرگم	0/369	0/100	3/7**	0/063	0/512
	زودرس				0/007	0/946
	بحران زده				0/352	0/001
	موفق				-0/081	0/413
پرخاشگر - آزارگر (6b)	سردرگم	0/674	0/432	19/8**	-0/067	0/381
	زودرس				-0/216	0/010
	بحران زده				0/458	0/0005
	موفق				-0/253	0/002
وسواس فکری- عملی (7)	سردرگم	0/661	0/414	18/4**	-0/078	0/318
	زودرس				-0/129	0/128
	بحران زده				0/478	0/0005
	موفق				-0/290	0/0005
منفعل - پرخاشگر (8a)	سردرگم	0/710	0/483	24/1**	-0/056	0/445
	زودرس				-0/163	0/040
	بحران زده				0/504	0/0005
	موفق				-0/307	0/0005
آزارطلبانه (8b)	سردرگم	0/700	0/468	22/8**	-0/052	0/483
	زودرس				-0/176	0/030
	بحران زده				0/505	0/0005

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	R	R ² تنظیم شده	F	β	اندازه P
	موفق				-0/276	0/0005
اسکیزوفرنی گونه (S)	سردرگم				-0/039	0/592
	زودرس	0/716	0/493	25/0**	-0/188	0/018
	بحران زده				0/500	0/0005
	موفق				-0/303	0/0005
مرزی (C)	سردرگم				-0/029	0/699
	زودرس	0/691	0/456	21/7**	-0/161	0/049
	بحران زده				0/495	0/0005
	موفق				-0/297	0/0005
پارانویایی (P)	سردرگم				-0/048	0/543
	زودرس	0/643	0/389	16/8**	-0/139	0/108
	بحران زده				0/469	0/0005
	موفق				-0/271	0/0005

≤0/01 **P

بحث

هدف اصلی این پژوهش مقایسه‌ی اختلالات شخصیت و سبک‌های هویتی در بین مجرمان زن زندانی در زندان عادل آباد شیراز و افراد بهنجار، بود. نتایج نشان داد که بین میزان اختلالات شخصیتی در مجرمان زن زندانی و افراد بهنجار تفاوت معناداری وجود دارد و زنان مجرم زندانی به اختلالات شخصیتی بیشتری دچارند. نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتیجه تحقیقات گاتفردسون (2001) همخوانی دارد. بلک و همکاران (2007)، بلک و همکاران (2010)، بحرینیان و همکاران (1381)، پالاهنگ و همکاران (1381)، اشکانی و همکاران (1381)، نوروزیان و همکاران (1384)، شریعت و همکاران (1385)، هادی‌نژاد (1386)، گروسی‌فرشی و همکاران (1386) و آشوری (1389)، نیز در مطالعات خود به نتایج مشابهی با نتیجه این فرضیه دست یافتند. بر طبق نتایج مطالعات آنان اختلالات شخصیت در اکثر مجرمان تازه به زندان افتاده با شدت بالایی وجود دارد. در نتایج تحقیقات آنان مجرمان زندانی سطح بالاتری از اختلال‌های شخصیت را نشان دادند. بنابراین با توجه به نتیجه به دست آمده از این فرضیه و نتایج پژوهش‌های همسو با آن که در بالا ذکر آن رفت، می‌توان از این فرضیه حمایت نمود که عامل شخصیت در ارتکاب اعمال مجرمانه و جنایی نقش مهمی دارد.

نتایج پژوهش‌های مختلف که به بررسی اختلالات شخصیت زندانیان پرداخته‌اند، حاکی از شیوع بالای این نوع اختلالات در آنان است. تحقیقات انجام شده، حاکی از ارتباط اختلال شخصیت با انواع جرایم است بنا به گزارش ارونن و همکاران (2000)، احتمال ارتکاب به قتل، وقتی که فرد، مبتلا به اختلال شخصیت جامعه‌ستیز است در مردان 10 برابر و در زنان 50 برابر افزایش می‌یابد. هم چنین بر طبق مطالعه‌ای دیگر که در سال 2000 که توسط لیبر و فارینگتون، منتشر شده است، نیمی از مردان زندانی و یک پنجم زنان زندانی دارای اختلال شخصیت جامعه‌ستیز می‌باشند. این میزان‌ها در مقایسه با عموم جمعیت از حد بالایی نشان می‌دهد. بنابراین برای داشتن جامعه‌ای ایمن، باید به مؤلفه‌های مختلفی توجه داشت که یکی از این مؤلفه‌ها، اختلالات شخصیتی افراد مجرم است، که بایستی در این زمینه در زندان‌های کشور، برنامه‌هایی برای کاهش اختلالات شخصیتی این افراد تدوین و اجرا گردد، تا پس از رهایی زندانیان، شاهد بازگشت آنان به هنجارهای جامعه و کاهش میزان انحرافات و افزایش احساس امنیت در بین شهروندان باشیم.

همچنین نتایج نشان داد که بین منزلت‌های هویت من در مجرمین زن زندانی و زنان بهنجار تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتیجه تحقیقات گاردنر و همکاران (1994؛ به نقل از یودر، 2000) همخوانی دارد. از سوی دیگر بر طبق مطالعات کات و اسوارتز (2002)، که اشاره بر این دارد که در دنیای فعلی که ایجاد اشکال ایمن ارتباط و پیوند اجتماعی به طور روزافزون مشکل می‌شود، اغلب سردرگمی و به ویژه بحران زدگی به صورت کارکردی سازشی در می‌آیند، می‌توان مطابق داده‌های جدول 3، تعداد زیاد افراد مجرم زندانی دارای هویت بحران زده را تبیین کرد. هم چنین نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیقات جونز و هارتمن (1988)، جونز (1992)، بی‌شپ و همکاران (1997؛ به نقل از آدامز، 1998)، همسو می‌باشد. آنان به این نتیجه دست یافتند که جوانان سردرگم، با احتمال بالاتری به سوءمصرف مواد مبتلا می‌شوند و امکان دارد که استفاده کننده‌های مزمن داروها شوند. جونز و هارتمن (1988)، آدامز و همکاران (2001)، آدامز و همکاران (2005)، معتقدند رشد یافتگی هویت من یا قدرت هویت من با رفتارهای آسیب شناختی و مجرمانه، سوءمصرف مواد کمتر همراه است، که تأییدی دیگر بر نتیجه این فرضیه است.

آدامز و همکاران (2005)، در مطالعات خود عنوان می‌کنند که مفهوم هویت من در فهم رفتار بزهکاری اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که احتمال می‌رفت دربارهٔ منزلت هویتی سردرگم، بیشترین رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه گزارش شده است و بدین ترتیب حمایت تجربی از این مسأله به دست آمده که رشد یافتگی هویت من یا قدرت هویت من با رفتارهای آسیب‌شناختی و مجرمانه، سوء مصرف مواد کمتر همراه است. همچنین بر طبق نتایج مطالعه‌ی گاردنر و همکاران (1994، به نقل از یودر، 2000)، ضعف هویت من باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان با مسائلی چون فرار و ترک مدرسه، خشونت، اعمال مجرمانه و جامعه‌ستیز و سوءاستفاده از مواد و داروها در معرض خطر قرار گیرند. بدین ترتیب سردرگمی هویتی می‌تواند خود را به صورت اختلالات سازگاری، جرم و بزهکاری نشان دهد. همچنین مطالعات نشان داده که مفهوم هویت من در فهم رفتار بزهکاری اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که قابل حدس است می‌رود دربارهٔ منزلت هویتی سردرگم، بیشترین رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه گزارش شده است و بدین ترتیب حمایت تجربی از این مسأله به دست آمده است که رشدیافتگی هویت من یا قدرت هویت من با رفتارهای آسیب‌شناختی و مجرمانه، سوء مصرف مواد کمتر همراه می‌باشد.

بنابراین لازم است که متخصصان امر برنامه‌هایی جهت بهبود اختلالات شخصیت مجرمین زندانی و کاهش منزلت هویتی سردرگم در زندانیان تدوین کنند تا بتوان مجرمان را به سوی هنجارهای جامعه سوق داد و روند زندگی سالم را برای آنان به ارمغان آورد. همان‌طور که پژوهش‌ها نیز، نشان داده‌اند، با افزایش هویت یافتگی افراد از مصرف مواد مخدر و داروها کاسته شده، افراد از وضعیت‌های خطرناک‌تر رها می‌شوند و رفتارهای خطرناک و ناسازگار نیز کاهش می‌یابد.

این پژوهش با مشکلات و محدودیت‌هایی نیز روبرو بود از جمله: با توجه به مسائل امنیتی حاکم بر زندان امکان آزمون‌گیری بیشتر از 4 نفر نبود این مورد وقت زیادی را از پژوهشگر می‌گرفت. در ضمن، مراحل اداری ورود به زندان یکی دیگر از مشکلات بود. همچنین پژوهشگر در انتخاب افراد زندانی با محدودیت‌هایی که توسط مسؤلان زندان ایجاد شد، مواجه گردید. همچنین پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی چون عدم همکاری بعضی از مجرمان زندانی در پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها و محدودیت‌هایی در هم‌تاسازی افراد بهنجار با نمونه‌های زندانی نیز مواجه بود.

سپاس‌گزاری:

نویسندگان مقاله بر خود واجب می‌دانند تا از معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان و مسئولین اداره زندان عادل‌آباد شیراز، که در اجرای این تحقیق ما را همراهی کردند، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع:

- آشوری، محمد (1389)، ارتباط اختلالات شخصیت با جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی، مجتمع آموزش عالی قم.
- اشکانی، حمید. غلامرضا ده‌بزرگی و عبدالمجید شجاع (1381)، همه‌گیرشناسی اختلال‌های روانی در مردان زندان عادل آباد شیراز. اندیشه و رفتار، سال 8، شماره 2، ص 4-9.
- اولادعبدالهادی، بشری، مهشید فروغان، اصغر دادخواه و علی دلاور (1383)، اختلالات شخصیت در زنان زندانی شهرهای تهران و کرج. رفاه اجتماعی، سال 3، شماره 12، ص 304-311.
- بحرینیان، سیدعبدالحمید، صفا مقصدلو و آرش قدوسی (1381)، بررسی شیوع و شدت جرائم در بیماران مبتلا به اختلالات روانی. پژوهش در پزشکی، جلد 26، شماره 3، ص 163-170.
- پالاهنگ، حسن، سیدبهاالدین وکیل‌زاده و فاطمه دریس (1381)، بررسی فراوانی اختلال‌های شخصیت در مجرمین مرد زندانی در زندان شهرکرد. اندیشه و رفتار، سال 8، شماره 3، ص 57-64.
- شریفی، علی‌اکبر، حسین مولوی و کوروش نامداری (1386)، روایی تشخیصی آزمون بالینی چندمحوری میلون-3. دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره 34، ص 27-38.
- شریفیان، سعید، علی وطنی و محمدرضا گزمه (1388)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر جرم در زنان زندانی زندان‌های استان گلستان. طرح پژوهشی اداره کل زندان‌های استان گلستان.
- شریعت، سیدوحید، سیدمحمد اسعدی، مریم نوروزیان، مهدی پاکروان‌نژاد، امید یحیی‌زاده، و شاهرخ آقایان (1385)، شیوع اختلالات روانپزشکی در زندانیان مرد زندان قصر تهران. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، شماره 64، ص 25-36.
- صفدری شاهرودی، شمیمه (1385)، مقایسه الگوی شخصیت ضداجتماعی مجرمین و غیرمجرمین استان گیلان و سیستان و بلوچستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان.
- گروسی‌فرشی، میرتقی. مجید محمودعلیلو و احمد اسمعلی کورانه (1386)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار. روانشناسی معاصر، دوره 2، شماره 1، ص 24-31.
- محمودعلیلو، مجید، احمد اسمعلی، حسین واحدی و رسول رضایی (1388)، بررسی ارتباط اختلالات شخصیت و سبک‌های حل مسئله در زندانیان مجرم. دانشور رفتار، سال 16، شماره 34، ص 61-69.
- نوروزیان، مریم، سیدوحید شریعت، سیدمحمد اسعدی، امید یحیی‌زاده، مهدی پاکروان‌نژاد و شاهرخ آقایان (1384)، نرم نشانه‌های عصبی در زندانیان مرد. اندیشه و رفتار، سال 4، شماره 11، ص 426-434.

- هادی‌نژاد، حسن (1386)، تحول یافتگی من و اختلال‌های شخصیت در مقایسه‌ی دو گروه زندانی و غیرزندانی. روانشناسی کاربردی، دوره 2، شماره 5، ص 35-49.
- Adams, GR.(1998), The objective measure of ego identity status. University of Guelph, Guelph. Ontario
 - Adams, GR, AM Cantwell, L Keating, K Horton, R Menna & AM Guilmette. Identity formation of university students and gambling behavior: Predictions from identity theory regarding escaping the self. Funding provided by a research contract from the Ontario Problem Gambling Research Centre Guelph, Ontario, 2001.
 - Adams, GR, B Munro, G Munro, MD Poirer & J Edeards. Identity processing styles and Canadian adolescents self-reported delinquency. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 2005; 5(1), 57-65.
 - American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th Edition, Text Revision. Washington, DC, 2000.
 - Behan, D, & M Spurr. Working with personality disordered offenders-a practitioner's guide. Ministry of justice national offender management service, 2011.
 - Bersonsky, MD, & Adams, GR. Reevaluating the identity status paradigm: still useful after 35 Years. *Developmental Review*, 1999; 19, 557-590.
 - Benda, BB.(2004), Life-Course theory of readmission of substance abusers among homeless veterans.*Psychiatr Serv*,55(11),1308-1310.
 - Black, DW, T Gunter, P Loveless, J Allen & B Sieleni (2010), Antisocial personality disorder in incarcerated offenders: Psychiatric comorbidity and quality of life. *Ann Clin Psychiatry*, 22: 113-120.
 - Black, DW, T Gunter, J Allen, N Blum, S Arndt, G Wenman, & B Sieleni(2007),Borderline personality disorder in male and female offenders newly committed to prison. *Compr Psychiatry*. 48(5):400-405.

-
-
- Cote, JE, & SJ Schwartz (2002), Comparing psychological and sociological approaches to identity: identity status, identity capital, and the individualization process. *Journal of Adolescence*, 25, 571-576.
 - Eronen, M, MP Hakola, & J Tiihonen (2000), Mental Disorders and Homicidal Behavior in Finland. *Arch Gen Psychiatry*. 53 (6): 497-501.
 - Fazel, S, & J Danesh (2002), Serious mental disorder in 23000 prisoners: A system review of 62 surveys. Oxford: Lancet
 - Gattfredson, DC. Schools and delinquency. Cambridge, England: Cambridge University Press, 2001.
 - Hodgins, S. The major mental disorders and crime: Stop debating and start treating and preventing. *International Journal of Law and Psychiatry*, 2001; 24, 427-446.
 - Jones, RM (1992), Ego identity and adolescent problem behavior. In adolescent identity formation: advances in adolescent development
 - Jones, RM & BR Hartmann. Ego identity: developmental differences and experimental substance use among adolescents. *Journal of Adolescents*, 1988; 11, 347-360.
 - Loeber, R, & DP Farrington. Young children who commit crime: Epidemiology, developmental origins, risk factors, early interventions, and policy implications. *Dev Psychopathol*, 2000; 12(4), 737-762.
 - Math, SB, P Murthy, R Parthasarthy, CN Kumar & S Madhusudhan. Minds Imprisoned: Mental Health Care in Prisons. Bangalore: National Institute of Mental Health Neuro Sciences, 2011.
 - Nee, C, & S Farman. Female prisoners with borderline personality disorder: some promising treatment developments, *Criminal Behaviour and Mental Health*. 2005; 15, 2-16.
 - Schwartz, SJ, H Pantin, G Parado, S Sullivan & J Szapocznik. Family functioning, identity, and problem behavior in Hispanic

immigrant early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 2005; 25(4), 392-420.

- Timmerman, I, & Emmelkamp. The relationship between attachment styles and cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. *International Journal of Law and Psychiatry*, 2006; 29, 48-56.
- White, JM (2000), Alcoholism and identity development: a theoretical integration of the least mature status with the typologies of alcoholism. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 18(1), 43-59.
- Yoder, AE (2000), Barriers of ego identity status formation: A contextual qualification of Marcia's identity status paradigm. *Journal of Adolescence*, 23, 95-106.

